

## مقدمه

برخورداری از حقوق بنیادین، اولین مطالبه شهروندان در هر نظام سیاسی است. این حقوق می‌تواند به منزله وظیفه دولت و با عنوان «قانون» خود را نشان دهد. در این صورت، به عنوان «حقوق شهروندی» مطرح است و می‌تواند در قالب اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی با عنوان «حقوق بشر» و زیرمجموعه‌هایی همانند حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق گروه سوم مطرح شود. حقوق شهروندی، به دلیل آنکه در یک مجموعه قانونی و مرکز رسمی تصمیم‌گیری در سطح ملی واجد ضمانت اجرا می‌شوند، از یکسو، جایگاه معتبری دارند؛ به گونه‌ای که این حقوق در متن قانون اساسی کشورها مندرج می‌شوند، و از سوی دیگر، محدودیت‌های خاص خود را دارند. برای مثال، حق شهروندان در تظاهرات و اجتماعات، هم در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است و هم با قید عدم اخلاف به مبانی دینی تعریف شده است. درحالی‌که این مسئله در حقوق بشر متفاوت است.

موضوع تعهدات دولت‌ها در همه اسناد بین‌المللی حقوق بشری، که در حدود صد سند بین‌المللی منعکس شده‌اند، به روشنی بیان شده است. برای مثال، میثاقین (۱۹۶۶) اولین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و دومین پروتکل آن، پروتکل اختیاری میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون سازمان بین‌الملل کار در خصوص ممنوعیت تبعیض در استخدام کارگران و کنوانسیون مربوط به کار زنان در شب، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون ممنوعیت ژنو ساید (ژنوساید)، کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و هر رفتار یا مجازات خشن غیرانسانی و تحقیرکننده، کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و ده‌ها سند بین‌المللی دیگر که بیانگر این واقعیت هستند.

از آنجاکه دولت‌ها موظف شده‌اند به تعهدات خود براساس این اسناد بین‌المللی عمل کنند، دو پرسش عمده در این زمینه مطرح است: اول اینکه، آیا نوع تعهدات ناظر به فعل و رفتار است یا ناظر به نتیجه؟ دوم اینکه، چه نوع سازوکارهای نظارتی درباره انجام تعهدات مذکور توسط دولت‌ها وجود دارد؟ رویکرد نظام حقوقی اسلام و فقه در این خصوص چگونه است؟ و چگونه می‌توان کارآمدتر بودن سازوکارهای نظارتی در نظام حقوقی اسلامی را اثبات کرد؟ رویکرد تطبیقی بحث می‌طلبد که ابتدا وضع موجود در اسناد حقوق بشری تبیین، و آنگاه دیدگاه فقهی بررسی شود. البته این سؤال مطرح است که به‌طور روشن آیا صیانت از حقوق بشر به عدالت حاکم و ضمانت اجرای درونی او گره

## حقوق بشر و سازوکارهای نظارتی در اسناد بین‌المللی و فقه

مسعود راعی\*

### چکیده

توسعه اسناد حقوق بشری و در نتیجه، تلاش برای رساندن جامعه جهانی به نقطه مطلوب، با تضمین این حقوق، که عمده‌تاً متوجه دولت‌هاست، پیوند خورده است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که تحقق چنین هدفی، به چه سازوکارهایی به‌ویژه در حوزه حکومتی وابسته است. پاسخ به این پرسش، مستلزم تبیین نوع تعهد دولت‌ها و تکلیف آنها در زمینه حقوق بشر است. تعهد به شناسایی، احترام، اجرا، گزارش‌دهی و تعهد به فعل و تعهد به نتیجه، از مهم‌ترین تعهدات دولت‌ها در زمینه حقوق بشر است. برای تحقق تعهدهای مذکور، دو شیوه اقدام فوری و تدریجی تعریف شده است: در یک نگاه، صیانت از حقوق بشر را در استفاده از سازوکارهای اجرایی خارجی برای انجام تعهدات حقوق بشری دولت‌ها می‌داند. این رویکرد، با توفیق در تأسیس شورای حقوق بشر سازمان ملل، بزرگ‌ترین قدم عملی خود را برداشت. از منظر دوم، تکیه بر شرایط حاکمان را بهترین راهکار صیانت از حقوق بشر تعریف می‌کند. رویکرد نظام حقوق اسلامی ضمن پذیرش سازوکارهای بیرونی، تکیه خود را بر ابزارهای درونی همچون عدالت، خداباوری و فرجام‌باوری، قرار داده است؛ چراکه بدون توجه به شرایط درونی حاکمان و مدنظر قرار دادن مباحث اخلاقی، نمی‌توان از رویکرد ابزارانگارانه به انسان و یا برخورد سیاسی با مسئله حقوق بشر دور ماند.

کلیدواژه‌ها: صیانت از حقوق بشر، ضمانت اجرا، تعهد دولت‌ها، نظام حقوق اسلامی، شرایط حاکمان.

می‌خورد یا اینکه قانون فارغ از همه موارد پیش‌گفته، ابزار مهمی را در اختیار حاکم برای رشد و تعالی حقوق بشر قرار می‌دهد. همچنان‌که سازوکار مطلوبی جهت نظارت بر عملکرد دولت در زمینه حقوق بشر به حساب می‌آید، سخن در نفی یکی از دو گزینه مذکور نیست، بلکه در مؤثر و کارآمد بودن هریک است. آیا می‌توان مدعی شد که عصر تکیه بر نقش‌های درونی در شناسایی و اجرای حقوق بشر گذشته است و صرفاً باید بر قوای بیرونی و ضمانت‌اجراهای بیرونی حقوق تأکید کرد؟ در مورد این پرسش، دو نظریه کلی مطرح است: رویکرد غالب این است که آنچه از یک ملت و حاکم خواسته می‌شود، اجرای تعهدات حقوق بشری است و نیازی به خصوصیات درونی حاکم نیست. برای مثال، ضرورتی ندارد که حاکم از صفت عدالت و یا تقوا برخوردار باشد. در رویکرد دوم، آنچه بسیار مهم است، وضعیت حاکم با لحاظ شرایط درونی است. بر این مبنا (صفحه ۳) برخوردار بودن حاکم از صفت عدالت و تقوا و پذیرش حالت خداترسی و باور به معاد، او را وادار به پذیرش تعهدات حقوق بشری کرده، و از سوی دیگر، از او می‌خواهد با دقت تمام و با رعایت اصل انصاف و عدالت، به اجرای این تعهدات پردازد (شاول، ۱۳۸۸، ص ۶۹۵-۷۰۰).

### دولت‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

با رجوع به اسناد حقوق بشر، به دست می‌آید که دولت‌ها با شرایط خاصی در اجرای تعهدات حقوق بشری خود مواجه نیستند. از اسناد مذکور به دست می‌آید، پیش از آنکه شرایط حاکمان مدنظر باشد، تعهدات و نوع اقداماتی که دولت‌ها باید برای به اجرا درآوردن حقوق بشر انجام دهند، مورد توجه قرار گرفته است. اصلی‌ترین تعهدات دولت‌ها را که در اسناد بین‌المللی حقوق بشری مطرح است، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

#### ۱. تعهد به گزارش‌دهی

براساس تفسیر عمومی شماره یک از میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۸۹) و براساس آنچه در بخش چهار این میثاق و نیز در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است، به‌منظور اعمال نظارت مطلوب و کارآمد بر عملکرد دولت‌ها توسط کمیته ناظر، و همین‌طور شورای حقوق بشر، ضروری است دولت‌ها گزارش اقدامات خود را به کمیته ناظر در میثاقین و سایر نهادهای موجود در اسناد بین‌المللی حقوق بشری اعلام کنند. براساس همین تفسیر، این تعهد یک امر شکلی نیست که هدف آن صرفاً تعهدات کلی دولت عضو باشد؛ بلکه این مبنایی است که از طریق آن می‌توان

به اهداف متنوعی دست یافت (General Comment, No.1, Para 1). ماهیت جهان‌شمول حقوق بشر، که به‌طور گسترده حالت بین‌المللی به خود گرفته است، می‌طلبد که دولت‌ها برای انجام تعهدات بین‌المللی در مرحله اول، گزارش مناسب، جامع و دقیقی از عملکرد ارائه دهند (Jack Donnelly, 2003, p.34). کاسته شدن مفهوم حاکمیت مطلق دولت‌ها و تبدیل شدن آن به حاکمیت نسبی و تأثیرپذیری کشورها از مباحث حقوق بشری، دلیل دیگری بر ضرورت گزارش‌دهی است. میزان انطباق قوانین یک کشور با تعهدات بین‌المللی او، نظارت منظم یک دولت بر هریک از حقوق مذکور در اسناد بین‌المللی، فراهم آوردن مبنایی برای تبیین خط‌مشی‌های روشن و به‌دقت هدف‌گذاری‌شده، در جریان قرار گرفتن مردم کشور و توجیه افکار عمومی، فراهم آوردن مبنایی مناسب و لازم برای سازوکارهای نظارتی بین‌المللی، یافتن درک صحیح برای کشورها درباره وضعیت حقوق بشری خود، فراهم آمدن بستر لازم برای انتقال اطلاعات و درنهایت، انتقال تجربیات کشورها به یکدیگر، اصلی‌ترین اهداف گزارش‌دهی هستند (General Comment, No.1, para.2 at 9).

تعهد به گزارش، هم در اسناد جهانی حقوق بشر و هم در اسناد منطقه‌ای وجود دارد. در این زمینه چند سند مهم وجود دارد از جمله آنها کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است که در سال ۱۹۵۰ تصویب، و در سال ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شد. مهم‌ترین نکته‌ای که در این سند وجود دارد، ماده نوزده آن است که اعلام می‌کند: به‌منظور تضمین ایفای تعهدات اعضا، دو مرجع نظارتی یعنی کمیسیون اروپایی حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر تشکیل خواهد شد. این سند با برخورداری از ۶۶ ماده، توانسته است سازوکارهای نظارتی قابل‌توجهی را به‌منظور ایفای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها فراهم آورد. پروتکل شماره یک مربوط به این سند، که در تاریخ ۱۹۵۴ لازم‌الاجرا شد، بیانگر عزم دولت‌ها در برخی حقوق و آزادی‌های عمومی است که در سند اول بیان نشده است. از جمله این موارد، تعهدات دولت‌هاست که در ماده سوم پروتکل مذکور آمده است. در این ماده آمده است که برگزاری انتخابات آزاد با رأی‌گیری مخفی، به‌منظور تضمین آزادی اظهار عقیده افراد ضروری است. پروتکل شماره ده این سند، که در سال ۱۹۹۰ تصویب شده و ناظر به ماده ۳۱ سند مذکور است، اعلام می‌کند کمیسیون اروپایی حقوق بشر، حق دارد چنانچه راه‌حل مناسبی در زمینه اختلافات حقوق بشری ناشی از اجرا نیافت، گزارشی از وقایع مبنی بر اینکه آیا دولت مذکور دچار نقض حقوق بشر شده است یا نه؟ پروتکل شماره یازده کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر، ناظر به بازسازی سازوکار نظارت مقرر در کنوانسیون است. این پروتکل در سال ۱۹۹۲ تصویب شده است

و با تبیین جایگاه دادگاه اروپایی حقوق بشر، آن را به یک دادگاه مؤثر در ایفای تعهدات دولت‌ها تبدیل ساخته است. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی با دوازده پروتکل الحاقی، مهم‌ترین سند منطقه‌ای به‌منظور اجرایی کردن تعهدات حقوق بشری دولت‌هاست. کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ (سن خوزه - کستاریکا)، که در سال ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شد، سند دیگری از تعهدات منطقه‌ای است. ماده ۳۳ این سند، برای وادار کردن دولت‌های عضو به انجام تعهدات خویش، به تأسیس کمیسیون امریکایی حقوق بشر و دیوان امریکایی حقوق بشر پرداخته است. هر دو مرجع، به‌عنوان مراکز تعریف شده‌اند که گزارش دولت‌ها را دریافت می‌کنند. ماده ۴۲ و مقررات مندرج در فصل هشت در ارتباط با این مواد است. منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، که در سال ۱۹۸۱ در نایروبی مورد تصویب قرار گرفت، از دیگر اسناد منطقه‌ای است. این سند در دو قسمت تنظیم شده است: بخش اول، با ۶۸ ماده به انواع و تعهدات دولت‌ها پرداخته است. بخش دوم، که در قالب یک پروتکل الحاقی است، با ۳۲ ماده، به تأسیس دیوان آفریقایی حقوق بشر می‌پردازد. مطابق ماده ۶۲ و ذیل اصول حمایتی، کشورهای عضو منشور متعهد می‌شوند هر دو سال یک‌بار از تاریخ لازم‌الاجرا شدن منشور حاضر گزارشی را ارائه دهند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۶).

## ۲. تعهد به احترام، حمایت و اجرا

افزون بر تعهد قبلی، دولت‌ها با تعهدات سه‌گانه دیگری مواجه هستند که تمامی اسناد و نهادهای حقوق بشر جهانی و منطقه‌ای این حقیقت را مدنظر قرار داده‌اند. برای مثال، ماده دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی از دولت‌های عضو می‌خواهد به حقوق بشر احترام گذاشته، آن را برای همه افراد در قلمرو خودشان تضمین کنند (ICCPR, Article, 2).

کمیته حقوق بشر، که وظیفه نظارت بر عملکرد دولت‌ها را دارد، در تفسیر عمومی خود از ماده شش این میثاق اعلام کرد: دولت‌ها یک وظیفه فوق‌العاده و ویژه برای جلوگیری از جنگ، ژنوساید و دیگر نقض‌های عمده، که منجر به از دست رفتن حیات افراد می‌شود، دارند. این کمیته اعلام کرد دولت‌ها نه تنها باید از انجام رفتارهای کیفی علیه حیات انسان‌ها ممانعت به عمل آورند، بلکه باید در مورد نیروهای امنیتی خود نیز حساس بوده، مانع اقدامات خودسرانه آنها شوند (HRC, UN. DOC.A/43, 1988, and 1982, Para 2).

این تعهد با معیارسازی و قاعده‌پروری توسعه قابل توجهی پیدا کرد (زمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴). برای اولین بار در منشور ملل متحد بین احترام به حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی پیوندی اساسی و

هدفمند برقرار شد (وکیل، ۱۳۸۳، ص ۴۱). اعلامیه جهانی حقوق بشر، سنگ‌بنای اسناد متعددی شد که موضوع و هدف اصلی آنها، حراست از منزلت انسانی افراد بشر و فراهم آوردن امکانات رشد مادی و معنوی آنها باشد (همان). رشد ماهوی نظام بین‌المللی حقوق بشر که برخی از آن به «تورم نرماتو» یاد می‌کنند و مبنای توجیه نسل‌های گوناگون حقوق بشری شده، به‌گونه‌ای است که با توجه به ساختار جامعه بین‌المللی، به‌مثابه معیاری برای سنجش میزان مطلوبیت آنها و تعیین درصد رضایتمندی شهروندان تبدیل شده است.

در مورد این نوع تعهدات، سازوکارهای مختلفی مطرح شده است: یکی از مهم‌ترین آنها، شیوه طرح شکایت توسط دولت‌ها علیه یکدیگر، افزون بر طرح شکایت افراد از دولت‌ها، به اتهام نقض حقوق بشر است (ماده ۴۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶). اینکه دولت‌ها به چه میزان حاضرند علیه یکدیگر در خصوص نقض حقوق بشر شکایت کنند، مطلبی است که به نظر می‌رسد در صورت آمادگی کشورها، تحقق سیستم نظارتی همگانی توسط دولت‌ها در حیطه آنچه خود و براساس تعهدات حقوق بشری پذیرفته‌اند، دور از دسترس نباشد. علاوه بر این شیوه، آیین طرح شکایت فردی به‌منظور حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به‌منزله یکی از کارآمدترین شیوه‌های اعمال نظارت بر رفتار حاکمان مطرح است. این شیوه در اسناد مختلف بین‌المللی مطرح است (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵). این واقعیت انکارناپذیر است که پذیرش این شیوه کاملاً اختیاری است و به اراده دولت برمی‌گردد و رسیدگی به آن حالت شبه‌قضایی دارد.

تلاش اتحادیه اروپا و شورای اروپا، که اکنون دارای ۴۷ عضو هستند، در جهت کاستن از این وضعیت است. از این‌رو، بیش از دویست کنوانسیون در زمینه‌های مختلف تنظیم شده که غالباً به تصویب دولت‌های عضو رسیده است. به‌هرحال، پذیرفتن حق قربانی به دادخواهی فردی نزد مراجع بین‌المللی یک اقدام عملی در جامعه اروپایی محسوب می‌شود (زمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹). در امریکا با امضای منشور بوگوتا و ایجاد سازمان کشورهای امریکایی و همین‌طور ایجاد کمیسیون امریکایی حقوق بشر (۱۹۵۹) و اعطای حق رسیدگی به شکایت‌های فردی به کمیسیون در سال ۱۹۶۵، زمینه دستیابی افراد به حقوق خویش فراهم شد. با تشکیل دیوان امریکایی حقوق بشر (۱۹۸۰) و تصویب پروتکل‌های حقوق اقتصادی (۱۹۸۲)، منع شکنجه (۱۹۸۵) و ممنوعیت ناپدید شدن اجباری (۱۹۹۴)، زمینه بسط رسیدگی به حقوق شهروندان فراهم شد. در آفریقا، سازمان وحدت آفریقا، کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و شهروندان (۱۹۸۱) را تنظیم کرد و یک کمیسیون به نام کمیسیون آفریقایی حقوق

بشر ایجاد کرد. در ژوئن ۱۹۹۸ پروتکل تأسیس دیوان آفریقایی حقوق بشر امضا، و در ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد. این دیوان، از صلاحیت شخصی و موضوع گسترده‌تری برخوردار است که می‌تواند علیه کشورهای ناقض حقوق بشر آفریقایی اعمال صلاحیت کند.

سازوکار دیگری که در این زمینه به وجود آمده است، رویکرد تفسیری جدیدی است که در خصوص کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ رخ داده و نکات مهمی را مدنظر قرار داده است. مطابق ماده سه مشترک این کنوانسیون‌ها، اولین تعهد حقوقی دولت‌ها در قبال اتباع، که علیه حکومت مرکزی مسلحانه قیام کرده‌اند، مورد شناسایی قرار می‌گیرد. در این ماده، هرگونه رفتار غیرانسانی، شکنجه و گروگان‌گیری در این وضعیت ممنوع شده است. در این کنوانسیون‌ها، برای اولین بار تخلفات عمده مقررات حقوق بشر دوستانه مشخص شد و رویکرد جرم‌انگاری نسبت به برخی از آنها مورد پذیرش واقع شد که در ماده پنج اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به‌طور جزئی و نسبتاً دقیق معین شده‌اند.

اصل صلاحیت جهانی در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مورد پذیرش قرار گرفته است. این سخن بدین معناست که دولت‌های عضو کنوانسیون‌های مذکور پذیرفته‌اند که متهم به ارتکاب نقض‌های عمده را صرف‌نظر از محل ارتکاب جرم محاکمه کرده و یا او را مسترد کنند.

نکته مهم اینکه دولت‌های عضو، مطابق ماده یک مکرر چهار کنوانسیون، نه تنها باید مفاد کنوانسیون را رعایت کنند، بلکه باید سایرین را نیز به انجام آن وادار کنند. این تفسیر از سوی شورای امنیت درباره شهرک‌سازی در مناطق اشغالی در دو قطعنامه ۴۶۵ و ۶۸۱ و همین‌طور در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه امریکا و رأی مشورتی دیوان در مورد دیوار حایل (۲۰۰۴)، مورد تأیید قرار گرفت (ICJ, Reports, 2004).

### ۳. دولت و بازیگران خصوصی

تعهد دیگری که دولت‌ها در زمینه حقوق بشر با آن مواجه هستند، کنترل و نظارت بر بازیگران خصوصی است. کمیته حقوق بشر در این باره اعلام کرد هر دولتی متعهد است چارچوبی قانونی برای جلوگیری از اقدامات غیرقانونی، همچون ورود به حریم خصوصی افراد، دخالت‌های بی‌مورد و بازداشت افراد، اعم از آنکه توسط افراد حقوقی یا حقیقی باشد، مشخص کند (CE SCR, 12/1999/5). این کمیته همچنین اعلام کرد که کوتاهی کردن در سازمان‌دهی فعالیت‌های افراد یا گروه‌ها، به‌گونه‌ای که آنها را از حق دسترسی به غذا و سایر حقوق مطرح‌شده در میثاق بازدارد، مسئولیت‌ساز است (همان). این کمیته در زمینه حق بهداشت و سلامت اعلام کرد: دولت‌ها متعهدند که خصوصی‌سازی، تهدیدی به

حق بهداشت و سلامت افراد که دولت‌ها متعهد بدان هستند، وارد نکند. دولت وظیفه کنترل و نظارت بر داروها و لوازم پزشکی و همه کسانی را که در این زمینه فعالیت می‌کنند، بر عهده دارد. در صورت بروز نقض، دولت موظف به رسیدگی است و باید مانع تداوم آن شود و باید آن را به حالت سابق بازگرداند (راعی، ۱۳۸۶، ص ۸۱). می‌توان گفت: یک دولت مسئولیت حمایت از افراد و گروه‌ها را در برابر نقض حقوق بشر، که توسط افراد خصوصی صورت می‌گیرد، بر عهده دارد. این یک اصل پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل است (Melbourne, 2004, p.14). این تعهد، مستلزم وضع قوانین مناسب و کنترل مؤثر بر عملکرد افراد، به‌منظور بازداشت آنها از نقض حقوق بشر است.

این وظیفه عام است و حتی دولت موظف است ابزارهایی را که پیش‌تر به‌کار گرفته و نتیجه نداده است، دوباره مدنظر قرار دهد. دولت‌ها در این خصوص مسئولیت انحصاری دارند. بر همین اساس، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر در رأی خود بر علیه دولت چاد آن را مورد تأکید قرار داد (همان). دیوان امریکایی حقوق بشر در موضوع ولاس کویز علیه هندوراس اعلام کرد که دولت مسئول نقض‌های اتفاق‌افتاده در بخش خصوصی است. چنانچه معلوم شود دولت در مورد تعهد به جلوگیری از نقض کوتاهی کرده است. رویکرد دیوان با نظریه تقصیر همراه شد (American, Court, 1998 - Inter). دیوان در برابر این پرسش که مسئولیت دولت هندوراس در این باره چیست، پاسخ داد که ناشی از عدم جدیت و فقدان تلاش لازم در بازداشت افراد از نقض و پاسخ ندادن به عملکرد ناقضین است (Ibid, Para, 174).

### سازوکارهای نظارتی

با لحاظ تعهدات فوق و به‌منظور تحصیل این واقعیت، که دولت‌ها در راستای انجام وظایف خویش اقدام مثبت انجام می‌دهند، مجموعه سازوکارهای نظارتی در اسناد بین‌المللی تعریف و شکل گرفته است. در این بخش، به مهم‌ترین این نهادهای حقوقی توجه می‌شود.

#### ۱. راه‌اندازی کمیته‌های خاص

از مهم‌ترین سازوکارهای تعریف‌شده در اسناد بین‌المللی، تأسیس کمیته‌های خاص نظارتی است. این رویکرد، که از سال ۱۹۶۶ شکل گرفته، زمینه‌ای مناسب برای وادار کردن دولت‌ها به انجام تعهدات خویش فراهم آورده است. مهم‌ترین اسناد حقوق بشری، که از چنین شیوه‌ای استفاده کرده‌اند، عبارتند از:

الف. کنوانسیون بین‌المللی حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۶) با عضویت ۱۷۳ کشور جهانی، نهاد نظارتی به نام «کمیته حذف تبعیض نژادی» را ایجاد کرد تا به گزارش‌های کشورهای عضو و دادخواست افراد مدعی نقض حقوق، رسیدگی کند.

ب. کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) با عضویت ۱۸۵ کشور جهانی، کمیته حذف تبعیض علیه زنان را با عنوان نهاد نظارتی بر اجرای کنوانسیون و رسیدگی به گزارش تأسیس کرد. پروتکل اختیاری کنوانسیون با ۸۸ کشور، به افراد اجازه می‌دهد شکایت درباره موارد نقض کنوانسیون را به کمیته تسلیم کنند.

ج. کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴) با ۱۴۴ کشور عضو، کمیته ضد شکنجه را راه‌اندازی کرد. پروتکل اختیاری کنوانسیون (۲۰۰۲)، کمیته فرعی در زمینه پیشگیری را ایجاد کرد که بازرسی اماکن بازداشت را که با همکاری نهادهای ملی انجام می‌شود، اجازه می‌دهد.

د. کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) با عضویت ۱۹۳ کشور، کمیته حقوق کودک به منظور نظارت و بررسی را تأسیس کرد.

ه. کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آنان (۱۹۹۰)، با ۳۷ کشور که در سال ۲۰۰۲ رسمیت یافت و سیستم نظارتی «کمیته کارگران مهاجر» را تعریف کرده است.

و. کنوانسیون بین‌المللی برای محافظت از همه اشخاص از ناپدید شدن‌های اجباری (۲۰۰۶). این کنوانسیون، که پس از تصویب ۲۰ کشور به اجرا درخواهد آمد، در ۶ فوریه ۲۰۰۷ برای امضا گشوده شده است در حال حاضر ۶۱ امضا دارد. این کنوانسیون تعیین کرده است که کمیته مربوط به ناپدید شدن اجباری به منزله نهاد نظارتی آن ایجاد بشود.

ز. کنوانسیون مربوط به حقوق معلولان (۲۰۰۶)، که در ۳۰ مارس ۲۰۰۷ برای امضا گشوده شده است و در حال حاضر ۱۰۱ امضا دارد و برای لازم‌الاجرا شدن سند به حمایت و امضای ۲۰ کشور لازم دارد. این سند، کمیته مربوط به حقوق معلولان را به‌عنوان نهاد نظارتی ایجاد خواهد کرد (ر.ک: ایثاری، ۲۰۰۸م، ص ۲۳۲-۲۳۳).

## ۲. صدور اعلامیه‌های خاص

سازمان ملل متحد معیارها و مقررات فراوان دیگری درباره حمایت از حقوق بشر تصویب کرده است. این اعلامیه‌ها، ضوابط رفتاری و اصول معاهده‌ای نیستند که کشورها عضو آنها شوند، بلکه به دلیل آنکه

با اجماع کشورها تصویب شده‌اند، تأثیر مهمی در اجرای مقررات حقوق بشری دارند (همان، ص ۲۳۲). از جمله مهم‌ترین این اسناد، عبارتند از: اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی (۱۹۹۲)، اعلامیه مدافعان حقوق بشر (۱۹۹۸)، حداقل مقررات استاندارد برای رفتار با زندانیان (۱۹۵۷)، اصول اساسی مربوط به استقلال قوه قضائیه (۱۹۸۵) و مجموعه اصول ناظر بر حمایت از همه اشخاصی که تحت هر شکلی در بازداشت یا زندان هستند (۱۹۸۸). هدف اصلی از صدور این اعلامیه‌ها، از یکسو، تبیین روشن وظایف دولت در انجام تعهدات خویش در قالب ترسیم خطوط کلی و از سوی دیگر، افکار عمومی و آشنا نمودن افراد به مطالبات بر حق خویش می‌باشد. نتیجه این رفتار و اقدام مجامع بین‌المللی، مواجه شدن دولت‌ها با افکار عمومی آگاه می‌باشد. روشن است که دولت‌ها در این شرایط، باید پاسخ قانع‌کننده‌ای برای شهروندان خویش داشته باشند. رویکرد فوق، رویکرد کنترلی توسط افراد می‌باشد.

## ۳. گروه‌های کاری و گزارشگران

این گروه‌ها، که در ارتباط مستقیم با عملکرد دولت‌ها هستند، از دیگر سازوکارهای نظارتی بر حقوق بشر و اجرای آنها توسط دولت‌ها می‌باشند. این گروه‌ها، موارد نقض را بررسی می‌کنند. این افراد با امکانات شخصی خود به مدت شش سال فعالیت می‌کنند. گزارش آنها به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل ارسال می‌شود. بخش مهمی از تحقیقات در محل انجام می‌پذیرد و گزارش آنان منتشر می‌شود. گزارشگران ویژه کشور، نمایندگان و کارشناسان مستقل و همین‌طور گزارشگران ویژه، نمایندگان و گروه‌های کاری، درباره موضوع‌های مختلف گزارش می‌دهند، مانند خشونت علیه زنان، قاچاق انسان، تخلیه غیرمجاز محصولات و پسماندهای سمی و خطرناک، تروریسم، نژادپرستی، شکنجه، مردمان بومی، آزادی‌های مختلف مدنی و سیاسی، مزدوران، مهاجران و بدهی خارجی.

## ۴. نهادها و تشکیلات حقوق بشری

راه‌اندازی شورای حقوق بشر، که در مارس ۲۰۰۶ به تصویب مجمع عمومی رسید (www.ohchr.org)، با ترکیب ۴۷ عضو انتخابی از سوی مجمع عمومی با رأی مخفی، تأسیس کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر، که در سال ۲۰۰۹ جای خود را به کمیته مشورتی شورای حقوق بشر داد (Ibid, p11)، ایجاد کمیسیون عالی حقوق بشر، سازمان ملل متحد، که دارای مسئولیت اصلی فعالیت‌های سازمان ملل در زمینه حقوق بشر است، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر که کانون مرکزی

فعالیت‌های حقوق بشری سازمان ملل است، و مهم‌تر از همه خود سازمان ملل به‌عنوان قانون‌گذار، ناظر، مرکز ارتباطی، مدافع، تحقیق‌کننده و به عامل کشف حقیقت، و در نهایت به‌منزله یک دیپلمات، اصلی‌ترین نهادهای حقوق بشری ناظر را تشکیل می‌دهند.

### اسلام و سازوکارهای اجرایی

امروزه موضوع حقوق بشر، مسیر بسیار پیچیده و پرفرازی را فراروی خود دارد؛ تکیه بر انواع سازوکارهای بیرونی، توجه به حاکمیت دولت‌ها هرچند در قالب مفهوم نسبی آن، حاکمیت منافع و تأثیرگذاری آن در پابندی کشورها به تعهدات حقوق بشری، تفاسیر مختلف و حتی متعارض از تعهدات حقوق بشری، و در مجموع، وجود خرده‌فرهنگ‌ها در عرصه جهانی و تلاش مجامع جهانی برای جهان‌شمول کردن این حقوق، حضور بازیگران افراطی غیردولتی در قالب NGOs و همین‌طور تلاش رویکردهای فمینیستی، اومانیستی و سکولاری، وضعیت حقوق بشر را از جهت اجرایی در حالی قرار داده است که جهان آن را اکنون تجربه می‌کند. پرسش اصلی این است که چرا با وجود این تلاش‌های گسترده و اقدامات بسیار زیاد، حقوق بشر هنوز از سازوکارهای مناسب اجرایی برخوردار نیست؟ در پاسخ به این سؤال کلیدی باید گفت: بی‌توجهی به شرایط اصلی در اجرای تعهدات بین‌المللی این وضعیت نامطلوب و حتی غیرکارآمد را به وجود آورده است. به نظر می‌رسد، چنانچه انتظار آن باشد که حقوق بشر در جایگاه خاص خود قرار گیرد، باید از تکیه صرف بر شرایط بیرونی روی برگرداند و در کنار آن به شرایط درونی که در واقع همان شرایط حاکمان است، توجه کرد. تبیین شرایط حاکمان از منظر فقه و به‌دنبال آن اثبات کارآمدی نظام اسلامی می‌تواند بهترین گزینه برای بیرون‌رفت از وضعیت اجرایی فعلی حقوق بشر در جهان باشد. به عبارت دیگر در نظام فقهی اسلام، بیش از آنکه مشکل در تعهدات دولت‌ها و نوع آنها و یا سازوکارهای اجرایی دنبال شود، در افرادی که قرار است این تعهدات را اجرا کنند رصد می‌شود. ویژگی این نظام فقهی آن است که تکیه خاصی بر شرایط اخلاقی و اعتقادی حاکمان دارد. در این نگاه، اصل خودکنترلی یک اصل غیرقابل جایگزینی است. بدین‌منظور در فقه اسلامی تلاش می‌شود ضمن بیان باورهای لازم اعتقادی و اخلاقی، و تلاش برای تحقق آنها در حاکمان به یک سازوکار نظارتی مطلوب و کارآمد نائل شود.

### اسلام و شرایط حاکمان

در پاسخ به این پرسش، باید گفت راهکارهای موجود نیازمند بازکاوی و بازنگری است، و راه‌حل آن در آموزه‌های اسلامی است. با رجوع به اسناد بین‌المللی، این موضوع قابل اثبات است که هیچ‌یک از

اسناد مذکور به‌دنبال تعریف و شناسایی صفات و ویژگی حاکمان و دولتمردان نبوده‌اند و صرفاً با رویکردی حقوقی به‌دنبال تعریف و شناسایی تعهدات و سازوکارهایی بودند تا دولت‌ها ملزم به اجرای آن شوند. برخلاف چنین روشی، رویکرد اسلامی معتقد است: تکیه اصلی نه بر تعهدات و ضمانت اجراهای بیرونی، بلکه بر شرایط درونی حاکمان است. حاکمان از دیدگاه اسلام، آن‌گاه به وظایف خود به نحو مطلوب و کارآمد عمل خواهند کرد که هم در بُعد اعتقادی و هم در بعد اخلاقی، دارای صفات خاصی باشند. به‌دلیل چنین نگاهی، روایات اسلامی و آیات قرآنی بر شعارهای محوری ویژه‌ای پافشاری کرده‌اند؛ تکیه بر تقوا که در سراسر آیات قرآن مشهود است و یا تکیه بر معادباوری و توحیدمحوری، همگی براساس چنین نگاهی تعریف شده‌اند. به‌منظور تبیین دیدگاه اسلامی، ضروری است دو دسته شرایط از یکدیگر تفکیک شوند.

#### ۱. ویژگی‌های اعتقادی

اجرای حقوق و صیانت از آن، بیش از آنکه با سازوکارهای خاص بیرونی عملی شود، با پرورش بنیادهای اعتقادی امکان‌پذیر است؛ زیرا آراستگی حاکم جامعه به این باورها، دژ محکمی در او فراهم خواهد آورد که نه تنها مانع از هرگونه دست‌اندازی به حقوق انسان‌ها می‌شود، که خود به بزرگ‌ترین مدافع حقوق بشری، تبدیل می‌شود. این ویژگی‌های اعتقادی با توجه به مبانی نظری خاص عبارتند از:

#### الف) خداباوری دینی

اعتقاد به خداوند، در حوزه فردی و اجتماعی، نتایج خاصی را در صیانت از حقوق بشر به‌همراه دارد؛ زیرا چنین باوری منجر به اعتقاد ویژه‌ای در انسان می‌شود. علم و هوشیاری خداوند نسبت به اعمال انسان (ممتحنه: ۳)، اعتقاد به مراقبت مأموران الهی بر انسان (ق: ۱۸)، اعتقاد به گواهی دادن اعضای بدن علیه شخص (نور: ۲۴)، باور به این معنا که جهان آیینۀ عمل انسان است و چیزی از رفتار انسان گم نمی‌شود (توبه: ۱۰۵)، از نتایج خداباوری است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۵۴۲). چنین اعتقادی در کنار حقوق انسان، به حقوق الهی نیز اعتقاد پیدا شود؛ به‌گونه‌ای که این حق مهم‌تر جلوه کند؛ زیرا طی مسیر کمال، تنها در پرتو چنین باوری صورت می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۶). باور داشتن این معنا در حاکم که ناظری قوی، رفتار او را نظاره می‌کند و در این خصوص هم بصیر است. او را از دست‌اندازی به حقوق شهروندان بازمی‌دارد. در مقابل از او حاکمی خدمتگذار می‌سازد که بالاترین افتخار او خدمت و استفاده از فرصت موجود می‌باشد.

**ب) معادباوری و اعتقاد به تجسم اعمال**

بارزترین ویژگی، که در یک حاکم اسلامی باید خود را نشان دهد، توجه به مسئله تجسم اعمال است. تجسم در قالب‌های مناسب ظهور می‌یابد و بدون نیاز به گواهی در کنار وجود انسان، شاهد عینی محسوب می‌شوند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «آنچه را که افراد عمل کرده‌اند، می‌یابند» (کهف: ۴۹). شهادت اعمال که در آیه چهار سورة فصلت بیان شده است، غیر از تجسم اعمال است که از نتایج اعتقاد به معاد و فرجام‌باوری است. این دو بیانگر دو نوع ویژگی و اعتقاد است که در نتیجه، دو نوع نظارت را به دنبال دارد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۵۴۳).

**ج) اعتقاد به مسئولیت‌محوری**

از آنجاکه هدف دین هدایت است، اعتقاد به مسئولیت انسان در برابر خود، جامعه و از همه مهم‌تر خداوند، بهترین راهکار برای رسیدن به سعادت است. دیدگاه اسلامی، به جای تأکید بر روحیه طلبکاری، به تکلیف‌گرایی و مسئولیت‌محوری توجه می‌کند. بر این اساس انسان در برابر خداوند، خود و جامعه، موجودی پاسخ‌گوست (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۱). او تنها به جامعه پاسخ‌گو نیست که نیازی به داشتن صفات و باورهای اعتقادی ویژه‌ای نداشته باشد، بلکه در برابر خود و خداوند نیز مسئولیت دارد و این مسئولیت جز با تکیه بر صفات و باورهای درونی انجام‌پذیر نیست؛ زیرا با خروج از این دایره، که خروج از عبودیت است، به هیچ نقطه کمالی نمی‌توان دست یافت. این نگرش و بینش، انسان را از پندار غلط «مستقل بودن» دور می‌کند و او را در برابر خداوند موجودی وابسته و پاسخ‌گو تصویر می‌کند. آنچه خداوند از بشر طلب کرده است، مجموعه احکام، باورها و رفتارهایی است که مسیر سعادت و کمال و بندگی را به دنبال دارد.

**۲. ویژگی‌ها و آسیب‌های اخلاقی**

در باورهای اسلامی، یکی از اصول اخلاقی مسلم، لزوم نظارت انسان بر اعمال خویش است. این معنا با واژه مراقبت در معارف دینی تعبیر شده است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۵۴۳). این سخن بدان معناست که حاکم جامعه باید در تمام مراحل حاکمیتی و حتی قبل و بعد از آن، هوشیارانه و هوشمندانه خود را زیر نظر داشته باشد. اساس این نگاه در آیات قرآن است که با استفاده از باورهای اعتقادی و تکیه بر آنها، طراحی شده است (حشر: ۱۸). بر این است که، هرچند جهل، نسیان، اکراه، خطا، بی‌تفاتی، سهل‌انگاری و کم‌دقتی می‌تواند برای افراد عادی عذر تلقی شود، برای حاکم جامعه اسلامی عذر نیست؛ زیرا هر یک از این عوامل، می‌تواند آثار مخربی در مدیریت

او برجای گذارد. ماهیت چنین نظارتی را باید بازدارنده تعریف کرد؛ زیرا هدف از آن، پی‌بردن به خطاها و اعمال خلافی است که می‌تواند زمینه انحراف از صیانت حقوق انسان‌ها را فراهم آورد. در آثار اهل بیت علیهم‌السلام این مراقبت با توجه دائمی به موجودی که مراقب انسان است و در تمام حالات او را مدنظر قرار می‌دهد، همراه شده است (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۹۸). امام کاظم علیه‌السلام در روایتی بلند، مضمون این حقیقت را چنین تبیین کرده که از ما نیست آنکه هر روز به حساب خود نرسد. اگر کار نیکی کرده است، از خدا توفیق فزونی آن را بخواهد و اگر بد کرده است، از خدا طلب آمرزش کند (کلینی، ۱۳۹۲ق، ج ۲، ص ۲۰۴). امام علی علیه‌السلام در نامه ۵۳، که به مالک اشتر می‌نویسد، به وجود چنین صفاتی در حاکم جامعه و کارگزاران او، با عبارت «اهل الصدق والوفا» توجه کرده است. امام علی علیه‌السلام به یکی از کارگزاران خود می‌نویسد: «به حساب خودت رسیدگی کن و بدان که حسابرسی خداوند بالاتر از حسابرسی مردم است» (ر.ک: ذاکری، ۱۳۷۵، ج ۱ و ۲؛ عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۵۴۵). بر اساس تأمل برخی از اندیشمندان، سه نوع نظارت و محاسبه نفس در این سخن کوتاه وجود دارد: نظارت مردم، نظارت امام و دولت و نظارت خداوند، که از همه آنها بالاتر است (همان). در این میان، توجه به آسیب‌های اخلاقی به جهت شناخت عوامل آسیب‌رسان به حوزه نظارت و تلاش برای کاستن یا از بین این عوامل منفی، به منظور تأثیرگذار بودن صفات مثبت ضروری است که لازم است به دو دسته از این آسیب‌ها توجه شود:

**۱-۲. آسیب‌های اخلاقی حاکم**

هر فردی و از جمله حاکمان با آسیب‌های اخلاقی متعددی می‌توانند مواجه شوند. اما در این میان، می‌توان به دو دسته آسیب فردی و آسیب ناشی از اعمال حاکمیت توجه کرد.

**۱. آسیب‌های اخلاقی حاکمیتی****الف. ریاست‌طلبی**

ضرورت تصدی امور جامعه و لزوم امر و نهی می‌تواند زمینه مهمی برای انحراف حاکم جامعه از تعهدات حقوق بشری و عدم پاسخ‌گو بودن در برابر مردم باشد. در روایات این معنا، با ادبیات خاصی تعبیر شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «کسی که دوست دارد مردم را در مقابل خود ایستاده ببیند، جایگاه او آتش جهنم است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۹۰). امام علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «من چیزی زیان‌بارتر برای حال قلب، از صدای کفش در پشت سر انسان ندیدم» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق،

ص ۲۰۶). تحقق و شکل‌گیری چنین آفتی در حاکم، موجب هلاکت و نابودی دین و دنیای اوست که مضمون روایات زیادی آن را تأیید می‌کنند (شریفی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶).

#### ب. تکبر، ناسپاسی و کفور بودن

قرآن کریم در آیه ۶۶ سوره حج، انسان را به این خصلت نکوهیده توجه داده است. وجود این خصلت زمینه‌نارضایتی شهروندان را به دنبال دارد و خود زمینه‌ساز سقوط حاکم است. امام علی علیه السلام تشبیه زیبایی در این خصوص دارد؛ ایشان می‌فرماید: «افراد باشرف اگر به جایگاه و موقعیتی برسند، هرچند بزرگ، دچار تکبر نمی‌شوند؛ چراکه همانند کوهی هستند که بر اثر بادهای نمی‌جنبند و افراد ضعیف و حقیر، با کمترین مقام دنیا، دچار شادی شده و به غرور مبتلا می‌شوند؛ مانند گیاهی که گذر نسیمی او را به حرکت درمی‌آورد» (همان، ص ۲۳۷). این حقیقت در روایت زیبایی از امام علی علیه السلام تبیین شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷، ص ۳۶۵). حضرت در خطبه ۲۱۶ *نهج البلاغه* می‌فرماید: «در ایدۀ مردم پارسا زشت‌ترین خوی والیان این است که بخواهند مردم آنان را دوستدار بزرگ‌منشی شمارند و کارهاشان را به حساب کبر و خودخواهی بگذارند...».

#### ج. خودمحوری، خودرأیی، لجاجت و خشک‌سری

منطقی بودن و اهل استدلال بودن، با خشک‌سری متفاوت است. ویژگی انسان زیاد اهل جدال بودن است: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (کهف: ۵۴). اما در این میان لازم است به آسیب‌های چنین روشی نیز توجه شود. مشورت کردن، که در آثار دینی فراوان از آن یاد شده (نهج البلاغه، نامه ۵۳، حکمت ۱۶۱)، عامل مؤثری در مبارزه با این صفت نکوهیده است. به‌هرحال، آنکه به عقل خود بسنده کند، منحرف می‌شود (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۱۹) و آنکه تک‌روی در تصمیم داشته باشد، به‌جایی نمی‌رسد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۰۵). این وضعیت، به یک‌سونگری نیز تبدیل می‌شود. چنین شخصی باید انتظار مواجه شدن با حيله‌ها را نیز داشته باشد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۵۰۰) از آنجاکه در چنین شرایطی، حاکم دوست دارد نظر او حتماً اجرا شود، مجبور خواهد شد از ابزارها و روش‌های خشن نیز کمک بگیرد.

#### د. منفی‌نگر بودن ناشی از عدم آشنایی به حقوق انسان‌ها

آشنا شدن به حقوق شهروندان و حقوق بشری، از جمله لوازم مدیریت در عرصه کنونی جهان است. گستره این گفتمان در سطح جهان، با تصویب ده‌ها سند بین‌المللی، عضویت کشورهای

جهان از جمله کشورهای اسلامی در سازمان ملل و پذیرش تعهدات حقوق بشری، چه به‌صورت مطلق و یا با حق شرط، شکل گرفته است. ضعف شناخت در این مورد، آسیب‌های خاص خود را در عرصه داخلی و بین‌المللی دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «للجاهل فی کل حاله خسران» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷، ص ۲۸). ممکن است به‌دلیل عدم شناخت حاکم از مطالبات به‌حق مردم، برخورد ناشایسته با آنها صورت گیرد. در چنین وضعیتی، باید شاهد خودمحوری حاکم، خشونت، و دوری گزیدن از مردم بود؛ در برابر افکار عمومی، پاسخی برای تصمیمات اخذ شده ندارد. یکی از دلایل ممنوعیت استتار و فاصله گرفتن حاکم از مردم همین نکته است. کلام امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ «فان اجتاح الولاة عن الرعية شعبة من الضيق» می‌تواند بیانگر همین مطلب باشد. شتاب‌زدگی در قضاوت نسبت به انسان‌ها، نتیجه عوامل مختلفی است که می‌توان گفت: در این زمینه ضعف علمی و آشنا نبودن به حقوق انسان‌ها، و در نتیجه، شکل‌گیری نگاه معنادار به مردم از مهم‌ترین‌ها محسوب می‌شود: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء: ۱۱).

#### ۲. آسیب‌های فردی

##### الف. دور بودن از تقوای الهی

تکیه بر تقوا در ارتباط با حاکمان به این دلیل اهمیت مضاعف دارد که مهم‌ترین ضمانت اجرای درونی بر رعایت حقوق دیگران است. بدون آن هیچ ضمانت اجرایی را نمی‌توان جایگزین کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این موضوع را در ابلاغ حکم مسئولیت کارگزاران به‌طور مؤکد لحاظ می‌کرد؛ چنان‌که در عهدنامه خود به عمروبن حزم، هنگام منصوب کردن وی به استانداری یمن و مدیریت بیت‌المال این مطلب را بیان فرمود (بلاذری، ۱۹۵۶، ص ۸۴). همین معنا در سخن امام حسن عسکری علیه السلام درباره فقیهان نیز مورد تأکید است (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۲۷، ص ۱۳۱).

##### ب. دور بودن از عدالت

تحقق عدالت در جامعه، هدف اصلی حکومت اسلامی است. رسیدن به این موقعیت، نیازمند برخوردار بودن از اختیارات وسیع است. وجود چنین اختیاراتی زمینه فساد را در خود دارد. داشتن عدالت، مانع خودسردی حاکم و دور بودن او از عدالت، زمینه طغیانگری اوست. امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «بهترین چیزی که مایه روشنی چشم زمامداران و مسئولان است، گسترش عدل و داد در شهرها و آشکار کردن دوستی‌ها و علاقه‌ها به مردم است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).



## ج. وجود رذائل اخلاقی

باور و رفتار اخلاقی معرف هر شخصی در جامعه است. میزان احترام یک فرد و از جمله حاکم در جامعه، به میزان دور یا نزدیک بودن او به محاسن اخلاقی است. گزینش حاکمی که از صفات اخلاقی به دور است، هرگز موجب تعالی حقوق بشر نمی‌شود. اگر قرآن کریم در خصوص پیامبر اکرم ﷺ این توصیف را دارد، که مهربان و دل او با مردم نرم است (آل عمران: ۱۵۹) بیانگر این معنا نیز هست که چنین انسانی آمادگی بالایی برای حمایت از حقوق انسان‌ها دارد.

## د. نداشتن اصالت خانوادگی

از جمله تعالیم آسمانی اسلام آن است که حاکم و متصدی جامعه باید از موقعیت خانوادگی خوبی برخوردار باشد؛ دارای صفت حیا و از خاندان پاکیزه باشد (نهج البلاغه، نامه ۵۳). دور بودن از چنین اصالتی، اطمینان شهروندان را فرومی‌کاهد و از بین رفتن اعتماد، زمینه‌آذیت و آزار حاکمانه را فراهم می‌کند چنین حاکمی توان دفاع از حقوق شهروندان خود را نخواهد داشت و این خود هزینه مدیریتی را نیز افزایش می‌دهد.

## صیانت از حقوق بشر و حاکمان

در رویکرد اسلامی، پیش‌شرط اول برای احقاق حقوق مردم، برخوردار بودن از شرایط لازم است. تکیه اصلی این شرایط به دین‌باوری، تقوا، معادباوری و داشتن محاسن اخلاقی است که به مهم‌ترین آنها اشاره شده است. نتیجه داشتن چنین شرایطی، تحقق ضمانت اجرای قوی حقوق بشر است. پرسش اصلی در این زمینه این است که چه ارتباط منطقی بین صیانت از حقوق بشر و برخوردار حاکمان از صفات و شرایط اعتقادی و اخلاقی وجود دارد؟ شاید ابتدا به نظر می‌رسد که رابطه ساده‌ای در این مورد وجود دارد؛ زیرا اگر حاکمی این ویژگی‌ها را داشته باشد، بهتر است. اما این پاسخ، نمی‌تواند لزوم این رابطه را ثابت کند. بنابراین، ضروری است رابطه مذکور تبیین شود.

## تبیین نوع نگاه به انسان

اولین وجود شرایط خاص در حاکم نوع نگاه حاکم به مردم است. آنچنان‌که تاریخ نشان می‌دهد، نوع رابطه حاکمان و فرمانبران چندان مطلوب نبوده است؛ زیرا عملکرد حاکمان و نوع نگاه آنها به مردم، از باب رعیت بوده است (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره ۱۳۸۸، ص ۲۶۸). تصویب اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) و به دنبال آن، تصویب قانون اساسی (۱۷۹۱)، این نگاه را تا حدودی بهبود بخشید و مفهوم «حقوق شهروندی» را به جای «رعیت» نشانده (همان).

مکتب اسلام با تبیین نوع نگاه به انسان، کارآمدترین سازوکار صیانت از حقوق بشر را فراهم آورده است؛ زیرا به جای وجود رابطه رقابتی و یا تزاومی بین حاکم و محکوم، رابطه تکاملی، همکاری و محبت‌آمیز را قرار داده است. علت وجود چنین توفیقی آن است که حاکم با برخورداری از شرایط اعتقادی و اخلاقی، معتقد است انسان سمت خلیفه الهی دارد (بقره: ۳۰)؛ هرآنچه در آسمان و زمین است برای او خلق شده است (لقمان: ۲۰)؛ ملائکه بر او سجده کرده‌اند؛ دارای مقامات عالی است و موجودی است که می‌تواند تمام ارزش‌های هستی را در خود جمع کند (رجبی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷). روشن است پذیرش چنین مقامی برای انسان و باور داشتن به آن در مقام عمل، تنها از عهده کسی برمی‌آید که ویژگی‌های اعتقادی اخلاقی را داشته باشد. تقوای الهی همچنان‌که قادر است از نفس صیانت کند، می‌تواند از حقوق انسان‌ها نیز صیانت کند؛ همچنان‌که مانع از دست‌اندازی حاکم به حقوق مردم می‌شود و داشتن ملکه عدالت تضمین‌کننده همه تمام این حالات است. لازمه چنین نگاهی، خدمتگزاری است، نه اعمال حاکمیت. نتیجه، آنکه انسان موضوع حقوق بشر در اسلام «عبد» خداوند تعریف می‌شود؛ دارای کرامت ارزشی است که در ارتباط با خداوند معنا و مفهوم پیدا می‌کند. حقوق بشر او در راستای تحقق سعادت دنیا و آخرت است؛ هدف را به جای وسیله اخذ نمی‌کند؛ وجود چنین نگاهی به انسان، آن‌گاه که با شرایط اعتقادی و اخلاقی حاکم جامعه پیوند خورد، ضمانت اجرایی را برای حقوق بشر به وجود می‌آورد که هیچ نمونه‌ای برای آن در اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری نمی‌توان یافت. این حقیقت اگر با نوع نگاه به انسان در اسناد حقوق بشری، که بالاترین آرزوی خود را رهایی از ترس و تحقق امنیت می‌بیند مقایسه شود، جایگاه خود را به خوبی در صیانت و حفظ حقوق بشری نشان خواهد داد.

## زمینه‌سازی تکامل انسانی

حاکم معتقد به معاد و باتقوا، پذیرش و اجرای حمایت از اشخاصی، که حقوق انسانی آنها پایمال شده است، همچنین مجازات آنها را نه تنها به مثابه یک وظیفه و ابزاری برای رشد و تکامل انسانی خود می‌بیند، بلکه آن‌جایی که رسیدن به این تکامل خواست فطری انسان است، انگیزه مناسب برای انجام چنین وظیفه‌ای فراهم می‌آید. روشن است که مسئولیت حاکم برای صیانت از حقوق شهروندان یک خدمت و یکی از مصادیق برآورده ساختن نیاز مردم است. در نتیجه، با اعتقادی که حاکم از آن برخوردار است، از این خدمت برای رشد معنوی و روحی خود و دیگران استفاده خواهد کرد؛ به‌ویژه اگر آن را در جهت قرب الهی و با نیت اخلاص به‌جا آورد. در مجامع روایی، روایات متعددی وارد

شده که بیانگر این واقعیت است. پیامبر ﷺ رفع نیاز از یک مسلمان و برآورده کردن حاجت او را از جمله محبوب‌ترین کارها در نزد خداوند به‌شمار می‌آورد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۵؛ کلینی، ۱۳۹۲ق، ج ۲، حدیث ۲). می‌توان گفت یکی از مصادیق ادخال سرور برای مسلمانان، صیانت از حقوق آنهاست که در روایات متعدد بیان شده است (همان). امام رضا علیه السلام فرمود: «خداوند را در روی زمین بندگانی است که در برآورده ساختن نیاز مردم تلاش می‌کنند؛ اینان روز قیامت در امان‌اند هرکسی دل مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز قیامت دل او را شاد خواهد کرد» (همان). از نظر شهید مطهری، انسان کامل یعنی انسانی که قهرمان همه ارزش‌های انسانی باشد؛ نمی‌توان سراغ یک ارزش رفت و از سایر ارزش‌ها غافل بود. البته لازم نیست در همه ارزش‌ها قهرمان بود، باید در حد امکان همه ارزش‌ها را باهم داشت و ارزش‌های مختلف را به‌صورت هماهنگ در خود رشد داد (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۹۷). به همین دلیل، امام علی علیه السلام از قول پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «بارها شنیدم که هیچ امتی به پاکی و قداست نمی‌رسد، مگر آنکه حق خود را از قوی بدون لکنت زبان بگیرد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). در چنین شرایطی می‌توان ادعا کرد آرمانشهر نبوی و علوی شکل گرفته است. این آرمانشهر از یک‌سو، به وجود حاکم دارای صفات حمیده برمی‌گردد و از سوی دیگر، به باور و اعتقاد مثبت مردم به آن حاکم. وجود چنین نگاه مثبت، که نوعی تعاون در امر خیر و فضائل اخلاقی است، هم ناشی از صفات اخلاقی است و هم زمینه‌ساز تکامل اخلاقی.

#### از بین رفتن رویکرد ابزاری

یکی از اشکالات عمده وارد بر مباحث حقوق بشری در سطح جهان، داشتن رویکرد ابزاری به این حقوق است. استفاده سیاسی از آنها، و ابزاری برای ایجاد فشار بر کشورها، از جلوه‌های چنین نگاهی است. کمیسیون حقوق بشر پس از شصت سال فعالیت، با دلایل مختلفی از جمله این دلیل، جای خود را به شورای حقوق بشر داد. در رویکرد اسلامی، آنچه می‌تواند این نگاه را از بین برد، تغییر صرف ساختارها نیست، بلکه علاوه بر آن تغییر نوع نگاه انسان‌هاست که به قطع تغییر نوع نگاه اولویت بیشتری دارد. انسان آن‌گاه که خود را در محضر الهی ببیند، جایی برای سوءاستفاده از دیگران در خود نمی‌بیند. در مقابل، از اینکه نمی‌تواند به نحو شایسته رسالت خدمتگزاری را انجام دهد، ناراحت است؛ تا آنجاکه حاضر است نسبت به حقوق افراد که ناخواسته در حکومت او از بین رفته است، خود را مورد سؤال قرار دهد. نمونه‌های زیادی از این وضعیت را در طول دوران کوتاه زمامداری حضرت علی علیه السلام در کوفه می‌توان مشاهده کرد.

#### الزام به محبت به مردم

حاکم برخوردار از شرایط ایمانی و اخلاقی با رسالت محبت به مردم مواجه است (شریفی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۲). برخلاف دیدگاه اشخاصی همچون ماکیاولی، که معتقد است همان به که مردم بیشتر بترسند تا دوست بدارند (ماکیاولی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۴)، در نظام حقوقی اسلام، حاکم وظیفه دارد محبت بورزد. این سخن یک توصیه اخلاقی صرف نیست، بلکه یک وظیفه است. امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر به بهترین شکل این حقیقت را ترسیم می‌کند: «بر رعیت مهربان باش و همانند جانوری شکاری که خوردن گوشت صید خود را غنیمت می‌شمارد، مباش. انسان‌ها یا برادر دینی هستند یا برادر شکلی» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). همچنین در نامه خود به محمدبن ابی‌بکر همین معنا را مدنظر قرار می‌دهد (همان، نامه ۴۶). این حقیقت حتی در برخورد با مخالفان حکومت نیز وجود دارد. چنان‌که حضرت علی علیه السلام تاحد امکان درباره مخالفان چنین کرده است (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۶۶).

#### داشتن زمینه‌های مناسب برای برخورد صادقانه با مردم

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار از بدگمانی‌شان بیرون آی» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). روشن است که حاکمان در موارد متعددی از سوی مردم متهم می‌شوند. داشتن خصلت و ویژگی‌های اخلاقی - اعتقادی، این زمینه را در حاکم به وجود می‌آورد که در موارد اتهامی نسبت به نقض حقوق بشر، برخورد صادقانه با مردم داشته باشد که این خود یکی از بهترین راه‌های صیانت از حقوق بشر است.

#### حقوق و اخلاق

در یک نگاه عمیق‌تر و مبنایی‌تر، می‌توان ریشه اصلی اختلاف دو روش صیانت از حقوق بشر را در حقوق و اخلاق جست‌وجو کرد. دیدگاه‌های موجود در این خصوص متفاوت‌اند. در این‌باره سه رویکرد اصلی را می‌توان برشمرد: الف) اخلاق در کنار حقوق؛ ب) حقوق بی‌اعتنا به اخلاق؛ ج) حاکمیت اخلاق بر حقوق (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۷). نتیجه رویکرد اول، همکاری این دو حوزه با یکدیگر است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۶۰). اخلاق یکی از دریچه‌های مهم نفوذ حقوق به جامعه است. براساس رویکرد دوم، آنچه حاکم انجام دهد عمل اخلاقی است. اما براساس دیدگاه سوم، نظام حقوقی زیرمجموعه نظام اخلاقی قرار می‌گیرد. اهداف حقوقی باید بر پایه اهداف اخلاقی شکل گیرد. این هدف نباید با هدف اخلاق، یعنی نیل به کمال نفسانی و سعادت روحی انسانی تراحم داشته باشد و در صورت تعارض، ارزش‌های اخلاقی حاکم است. به

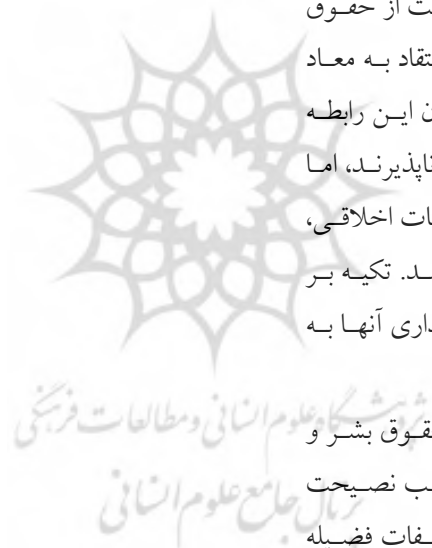
همین دلیل، قوانین حقوقی باید به‌منظور رشد و تعالی بشر وضع شوند، نه بر مبنای حقوق طبیعی صرف یا لذت و یا پاسخ‌گویی به امیال و خواسته‌ها (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۵). با مدنظر قرار دادن دیدگاه سوم، که به حقیقت نزدیک است، می‌توان گفت رسیدن به چنین نظام حقوقی و تبیین حقوق بشری و تلاش برای اجرایی‌شدن آنها و بازداشتن دولت‌ها از تجاوز به حقوق ملت‌ها، در گرو برخوردار بودن از ویژگی‌های بارز اخلاقی و پذیرش حاکمیت اخلاق بر حقوق است.

### نتیجه‌گیری

در تعارض دو اندیشه در زمینه سازوکارهای اجرایی و صیانت از حقوق بشر، که یکی با استفاده از سازوکارهای صرفاً بیرونی و فارغ از توجه به شرایط درونی حاکمان و دیگری با تکیه جدی بر شرایط اعتقادی و اخلاقی به‌مثابه پیش‌شرط اساسی و مؤثر بودن سازوکارهای بیرونی به‌دنبال صیانت از حقوق بشر هستند، باید گفت دیدگاه اسلامی مسیر دوم را برگزیده است. از دیدگاه اسلامی، بین اعتقاد به معاد و تجسم اعمال و صیانت از حقوق انسان‌ها ارتباطی مستقیم وجود دارد؛ به هر میزان این رابطه ضعیف‌تر باشد، به همان اندازه نتیجه معکوس خواهد شد. سازوکارهای اجرایی اجتناب‌ناپذیرند، اما کارآمدی آنها به میزان باور انسان‌های درون این سازوکارهاست. بدون برخورداری از صفات اخلاقی، انتظار اجرای حقوق بشر برای تمام انسان‌ها، فارغ از هرگونه تمایز، شاید انتظار بعیدی باشد. تکیه بر سازمان‌ها، گزارشگران و نهادهای نظارتی بین‌المللی مطلوب و مفید است، اما میزان تأثیرگذاری آنها به وجود مدیرانی بستگی دارد که هدایت این مجموعه‌ها را به دست دارند.

در یک مقایسه همه‌جانبه و عمیق، می‌توان گفت: دیدگاه اسلامی پیش‌شرط اجرای حقوق بشر و همچنین اجرای تمامی تعهدات دولت‌ها به شهروندان، پذیرش انتقادات از سوی مردم در قالب نصیحت امام مسلمانان و یا امر به معروف و نهی از منکر را منوط به برخوردار بودن حاکم از صفات فضیله می‌داند. در این باره نظام حقوقی اسلام با لحاظ دو دسته شرایط، درصدد تحقق وظیفه الهی خویش برآمده است. به همین دلیل، در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصل ۶۷ و اصل ۱۰۹ (بند دوم) ناظر به شرایط و صفات رهبر، و اصل ۱۱۶ به صفت عدالت، تقوا و مؤمن بودن مسئولان رده‌بالای نظام توجه شده است. حتی در سوگند نمایندگان مجلس نیز ضرورت وجود صفات مذکور بیان شده است. دلیل وجود چنین وضعیتی، در تغییر نوع نگاه مردم و حاکمان به یکدیگر است. تغییر نگاه، آثار مهمی به‌دنبال دارد. چنان‌که مبانی ویژه‌ای دارد که از مهم‌ترین این مبانی، تبیین رابطه

حقوق و اخلاق است. بر این اساس، نظام حقوقی زیرمجموعه نظام اخلاقی قرار می‌گیرد. همچنان‌که در حوزه اخلاق، مسیر استكمال اصلی‌ترین وجه است، این ویژگی به زیرمجموعه‌های خود از جمله نظام حقوقی نیز سرایت می‌کند. در نتیجه، همچنان‌که تقوا، اخلاص و بندگی خدا، بهترین زمینه را برای خدمت انسان به خود، به‌منظور کمال و قرب الهی فراهم می‌آورد، بهترین زمینه را برای خدمت به دیگران به وجود می‌آورد که حمایت از حقوق بشر، دفاع از آن و مجازات ناقضان آن، از نمونه‌های بارز چنین خدمتی در نظام حقوقی و سیاسی اسلام است.



## منابع

- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی (۱۳۷۲)، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۶م)، *فتوح البلدان*، قاهره، مکتبه النهضة المصریه.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۰۷ق)، *غررالحکم ودررالكلم*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- جمعی از نویسندگان (بی تا)، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، ج ۲، اسناد منطقه‌ای.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲)، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- ذاکری، علی اکبر (۱۳۷۵)، *سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- راعی، مسعود (۱۳۸۶)، «قابلیت اجرایی طرح ۲۰۰۱ مسئولیت دولت در حوزه قواعد حقوق بشری»، حقوق، ش ۴، رجبی، محمود (۱۳۷۹)، *انسان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- زمانی، سیدقاسم و همکاران (۱۳۸۶)، «نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر»، *شهر دانش*.
- سازمان ملل متحد (۲۰۰۸م)، *سازمان ملل متحد در دنیای امروز*، ترجمه علی ایثاری، نیویورک.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۸۷)، *حقوق‌شناسی*، تهران، ثالث.
- شاوول، استیون (۱۳۸۸)، *مبانی تحلیل اقتصادی حقوقی، معاونت پژوهشی*، ترجمه محسن اسماعیلی، تهران، میزان.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۸۴)، *آیین زندگی*، قم، معارف.
- صبحی، رجب محمضانی (۱۳۸۶)، *فلسفه قانون‌گذاری در اسلام*، ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران، آثار اندیشه.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۹)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، چ چهاردهم، گنج دانش، تهران.
- عسگری، پوریوا امیرساعد وکیل (۱۳۸۳)، *نسل سوم حقوق بشر، حقوق هم‌بستگی*، تهران، مجد.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، *فقه سیاسی*، تهران، سپهر.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴ق)، *سفینه البحار*، تهران، مؤسسه میلاد.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، *مقدمه علم حقوق*، چ چهل و هشتم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۲ق)، *اصول کافی*، تهران، اسلامیه.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۷۴)، *شهریار*، ترجمه داریوش آشوری، تهران، کتاب پرواز.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چ سوم، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری (۱۴۱۶)، *محمد، میزان الحکمه*، قم، دارالحدیث.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۷۷)، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، *انسان برآستان دین، دفتر سوم*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *مصنفات الشیخ المفید، الجمل*، قم، الموتر العالم.
- منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، تدوین علیرضا عباسی، محسن حریری و امیر چیتیان.
- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (۱۳۸۸)، *درس‌نامه فلسفه حقوق*، قم.
- میتوسی، آر.کرون (۱۳۸۷)، *حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی*، قم، دانشگاه مفید.
- وکیل، امیرساعد (۱۳۸۳)، *حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی*، تهران، مجد.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی